

واکاوی موانع خلاقیت در سازمان از منظر قرآن کریم

علی مطهرینژاد^۱، علی آقاصفیری^۲، یاسر خسروی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۶/۰۲

چکیده:

خداوند، عدم توجه به خرد جمعی، تقویت روزمرگی و تقلید کور، فقدان اعتماد به نفس، و نگرش منفی به امکان تغییر. همچنین، قرآن بر توانمندسازی خرد و تدبیرورزی، ترویج فرهنگ مشاوره و شجاعت فکری، ضرورت پیوند بین ایمان و عمل و مبارزه با سلطه گروه‌های فرصت‌طلب تأکید دارد. بر این اساس، برای ارتقاء خلاقیت سازمانی باید موانع فکری، فرهنگی و ساختاری به گونه‌ای بنیادین رفع گردد و زمینه بروز نوآوری در سازمان‌ها فراهم آید. یافته‌های این پژوهش ضمن ارائه مدلی نظری مطابق با مبانی دینی، راهکارهای کاربردی جهت تحول فرهنگ سازمانی و پرورش خلاقیت کارکنان ارائه می‌دهد.

واکاوی خلاقیت و موانع آن در سازمان‌های اسلامی، به‌ویژه از منظر متون اصیل قرآنی، می‌تواند الگویی کارآمد برای مدیریت تحول‌آفرین در عصر امروز ارائه دهد. پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تحلیل عمیق موانع بازدارنده خلاقیت در سازمان‌ها، به ویژه با تمرکز بر آموزه‌های قرآن کریم و تفاسیر معتبر شیعه و اهل سنت، انجام شده است. روش تحقیق کیفی بوده و از تحلیل متون قرآنی، بیانات رهبر معظم انقلاب و استفاده از نظرات صاحب‌نظران سازمانی بهره جسته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مهم‌ترین موانع خلاقیت در سازمان‌ها از نگاه قرآن عبارت‌اند از جمود و تحجر فکری، تسلیم در برابر جبرگرایی، غفلت از ذکر

کلید واژگان: قرآن کریم، خلاقیت، موانع و عوامل، سازمان.

۱. دانشجوی دکتری قرآن و مدیریت دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه، نویسنده مسئول : hadi۱۳۹۴۱۱@gmail.com

۲. استاد یار و عضو هیئت علمی قرآن و مدیریت دانشگاه جامعه المصطفی.

۳. استاد گروه معارف دانشگاه افسری امام علی (ع).



Examining the Barriers to Creativity in Organizations from the Perspective of the Holy Qur'an

Abstract:

Analyzing creativity and its obstacles in Islamic organizations—especially from the perspective of authentic Qur'anic texts—can offer an effective model for transformational management in today's era. The present study aims to identify and deeply analyze the barriers to creativity in organizations, focusing particularly on the teachings of the Holy Qur'an and authoritative Shi'a and Sunni commentaries. This is a qualitative research that utilizes analysis of Qur'anic texts, statements of the Supreme Leader, and the opinions of organizational scholars. The findings indicate that the most significant obstacles to creativity in organizations, according to the Qur'an, include intellectual rigidity and dogmatism, submission to fatalism, neglect of the remembrance of God, ignoring collective wisdom, reinforcing routine and blind imitation, lack of self-confidence, and a negative attitude toward change. Furthermore, the Qur'an emphasizes empowering reason and prudence, promoting a culture of consultation and intellectual courage, the necessity of connecting faith with action, and combating the dominance of opportunistic groups. Accordingly, to enhance organizational creativity, it is essential to fundamentally remove intellectual, cultural, and structural barriers and create an environment that fosters innovation in organizations. The findings of this study present, in addition to a theoretical model based on religious principles, practical strategies for transforming organizational culture and cultivating employee creativity.

Keywords: Holy Quran, Creativity, Obstacles and Factors, Organization



مقدمه:

پرسش بنیادین مقاله-که چگونه می‌توان براساس مبانی قرآن، مسیر شکوفایی خلاقیت را در سازمان‌های اسلامی هموار ساخت-رویکرد تحلیلی-تفسیری اتخاذ شده است تا پاسخی جامع و کاربردی ارائه گردد.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های انجام شده در زمینه خلاقیت، با رویکردهای متنوعی به این موضوع پرداخته‌اند و بیشتر مطالعات موجود، بر مفهوم، مصادیق و ابعاد خلاقیت و نوآوری متمرکز شده‌اند. با در نظر گرفتن مسئله و هدف اصلی این پژوهش، مطالعات مرتبطی که به نوعی با موضوع مورد بررسی همپوشانی دارند، به شرح زیر است:

محققانی همچون هاشمی زنوز (۱۳۸۷)، اخوان صراف (۱۳۸۸)، دیانی در دشتی (۱۳۸۸) و مروتی (۱۳۸۷) در پژوهش‌های خود، ابعاد و زمینه‌های بروز خلاقیت، موانع بازدارنده آن و ویژگی‌های افراد خلاق را مورد بررسی قرار داده‌اند. نویسنده آقای محمص (۱۳۸۸) با رویکردی قرآنی، معتقد است که اسماء الهی به صورت ظرفیت‌های بالقوه در ذات انسان نهاده شده‌اند تا ظهور توانمندی‌های درونی او را به نمایش بگذارند. هاشمی زنوز (۱۳۸۷) نیز بر این باور است که قرآن و سنت، ملاک‌های اصلی خلاقیت و نوآوری محسوب می‌شوند و از آنجا که اختیار خلاقیت و نوآوری مختص انسان است، باید روش‌های استفاده از استعدادها شناسایی شود. وی با استناد به آیات و احادیث، تأکید می‌کند که نوآوری، شکوفایی و توسعه در همه عرصه‌ها باید مبنای دینی و مذهبی داشته باشد.

بر این اساس، سازمان‌ها و مدیران باید نوآوری را فرهنگ‌سازی کرده و خود نیز نوآور و تحول‌گرا باشند و با زمینه‌های رشد و نوآوری آشنایی داشته باشند. دیانی در دشتی (۱۳۸۸) با بررسی آیات قرآن، بیان می‌دارد که این کتاب آسمانی با نشان دادن آیات و نشانه‌ها، مردم را به سوی تفکر، خلاقیت و در نتیجه کمال دعوت نموده است.

وی با استناد به آیات ۸۶ سوره حجر و ۸۱ سوره

خلاقیت سازمانی یکی از کلیدی‌ترین عوامل پیشرفت و تعالی نهادهای انسانی به‌ویژه در جوامع اسلامی به شمار می‌آید؛ به‌گونه‌ای که امروزه رقابت سازمانی و بقای راهبردی هر مجموعه‌ای، وابسته به توانایی خلق اندیشه‌های نو و به‌ثمررساندن ایده‌های بدیع است. سازمان‌های پویا و تحول‌گرا، نه تنها زمینه‌های ظهور خلاقیت و نوآوری را فراهم می‌کنند، بلکه با تکیه بر اصول اخلاقی و دینی، فرهنگی مبتنی بر مشورت، تعامل و تعالی جمعی بنا می‌نهند (محمدی و همکاران، ۱۴۰۲: ۷۹). از منظر قرآن کریم، خلاقیت فرایندی درونی و برآمده از جوشش فطرت الهی انسان است و آیات پرشماری همچون «أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (بقره: ۴۴)، «أَفَلَا يَتَفَكَّرُونَ» (اعراف: ۱۸۴) و «وَأَمْزُهُمْ سُورَى بَيْنَهُمْ» (شوری: ۳۸) به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم، عقلانیت و تفکر نقادانه، مشورت و ایجاد زمینه‌های یادگیری جمعی را لازمه شکوفایی خلاقیت می‌دانند. از نگاه صاحب‌نظران، قرآن نه تنها انسان را به استفاده از عقل و خرد فرامی‌خواند، بلکه با تبیین جایگاه اراده، اختیار و تجربه‌آموزی، او را مسئول آینده و سرنوشت خویش معرفی می‌کند (حیدری، ۱۴۰۱: ۴۷). در واقع، دعوت مکرر قرآن به خردورزی، تدبیر و شور و مشورت، نشانگر آن است که خلاقیت، امری صرفاً فردی یا ذهنی نبوده، بلکه باید در ساختار و فرهنگ جمعی تحول‌آفرین تجلی یابد. با این وجود، بررسی ساختارهای تاریخی و معاصر سازمان‌های اسلامی نشان می‌دهد که عوامل متعددی نظیر سلطه فرهنگ تقدیرگرایی، ساختارهای بسته، محدودیت‌های ذهنی، هراس از تغییر و ضعف در مهارت‌های مشاوره و گفت‌وگو، مانع از بروز کامل استعدادهای خلاقانه در این محیط‌ها شده‌اند (محمدی و همکاران، ۱۴۰۲: ۸۸). پژوهش حاضر، با هدف واکاوی عمیق ریشه‌های قرآنی خلاقیت و تبیین موانع و بسترهای توسعه آن، تلاش می‌نماید ضمن بهره‌گیری از دیدگاه‌های معتبر قرآنی و پژوهش‌های روزآمد، مدلی نوین برای رشد خلاقیت فردی و سازمانی در چارچوب ارزش‌های وحیانی ارائه دهد. در پاسخ به



قرآن کریم و منابع مرتبط نهفته است.

مبانی نظری تحقیق

مفهوم شناسی

با نگرش به ضرورت تعریف مفاهیم کلیدی و شناخت متغیرها در هر پژوهش (عباسی‌مقدم، ۱۳۷۹: ۳۱) در ابتدا به تبیین برخی مفاهیم کلیدی و محوری پژوهش می‌پردازیم:

سازمان

این واژه از ریشه‌ی فارسی «ساز گرفته شده و به معنای سامان دادن، نظم بخشیدن، و ترتیب دادن است (عمید، ۱۳۸۹: ۶۲۳). این واژه اشاره به نوعی ترتیب و هماهنگی میان اجزا یا افراد دارد که با یک هدف مشخص خدمت می‌کنند. اما در اصطلاح، سازمان به گروهی از افراد یا اجزای هماهنگ شده گفته می‌شود که برای رسیدن به اهداف مشخص، فعالیت‌های خود را به صورت منظم و هدفمند برنامه‌ریزی و اجرا می‌کنند. به عبارت دیگر سازمان گروهی از افراد است که گرد هم می‌آیند تا سیاست‌ها و خط‌مشی‌های مشترکی را به کار گیرند و برای دستیابی به هدف‌های مشترک تلاش کنند. (فقاہتی، ۱۳۹۰: ۲۶۹) بنابراین سازمان ساختاری است که در آن منابع انسانی، مادی، مالی، و اطلاعاتی برای دستیابی به مأموریت‌های خاص به کار گرفته می‌شوند. با توجه به تعاریف مختلف می‌توان گفت؛ ویژگی‌های اصلی یک سازمان عبارتند از: هدف‌محور بودن، ساختار منظم، هماهنگی و همکاری، تداوم و منابع.

مفهوم‌شناسی خلاقیت و نوآوری

در حوزه مطالعات سازمانی و مدیریت، مفاهیم خلاقیت و نوآوری از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. تعاریف متعددی برای خلاقیت ارائه شده است که هر یک بر جنبه‌ای خاص از این مفهوم تأکید دارند. برخی از تعاریف مهم خلاقیت^۱ عبارتند از:

۱- تغییر هدفدار: خلاقیت به عنوان تلاشی برای

پس که در آنها واژه «خلاق» در کنار صفت «علیم» خداوند آمده است، نتیجه می‌گیرد که علم و دانش، مقدم بر خلاقیت است. این تقدم، نشان‌دهنده آن است که خلاقیت مبتنی بر علم و دانش بوده و علم نیز نقش بسیار مهمی در بروز خلاقیت دارد.

همچنین، ویژگی‌های افراد خلاق و نوآور بر اساس آیات قرآنی، شامل ایمان و توکل به خدا، تفکر در آیات و نشانه‌های او، داشتن سلامت فکر و روان، هدف‌گرا و هدفمند بودن، به‌کارگیری تمام استعدادها در جهت هدف، داشتن تفکر و اندیشه مشتاق و تلاش‌گر، داشتن انگیزه درونی، صبر، عدم وابستگی به دنیا و مادیات، پرهیز از بطالت و کسالت، دوری از خودخواهی، غرور و تکبر، همت والا، ایستادگی و پشتکار عنوان شده است. مروتی (۱۳۸۷) نیز با اشاره به اینکه در جامعه دینی، نوآوری و شکوفایی، محصول آموزه‌های قرآن و معصومین (علیهم‌السلام) است، موانع نوآوری از دیدگاه نهج‌البلاغه را شامل موارد زیر می‌داند: روزمرگی و بینش روزمره داشتن، تقدیرگرایی و تلقین‌پذیری، تحجر و مطلق‌نگری، استبدادزدگی و خودکامگی، پیش‌داوری و ظن‌محوری، قانون‌گریزی و رابطه‌مداری، مصلحت‌اندیشی و محافظه‌کاری، حقارت نفس و تحقیر‌پذیری، جدی نگرفتن کار و مشارکت‌گریزی، نادانی و ناآگاهی، احساس کمبود و ناداری، احساس ناامنی و اضطراب‌زایی، القاپذیری و انتقادناپذیری، تقلید کورکورانه، سرخوردگی و اسارت‌پذیری و عدم آزادی.

پژوهش حاضر، اگرچه در بررسی کلی موضوع خلاقیت با پژوهش‌های فوق اشتراک دارد، اما تمرکز اصلی آن بر «واکاوی موانع و عوامل خلاقیت در سازمان‌های اسلامی از منظر قرآن کریم»، تفاسیر معتبر، بیانات مقام معظم رهبری و دیدگاه‌های خبرگان سازمانی است. پژوهش‌های پیشین، به‌طور خاص بر این موانع و عوامل تمرکز نداشته‌اند. از این رو، نوآوری این پژوهش، در بررسی و تحلیل عمیق عوامل و موانع مدیریتی خلاقیت در سازمان‌های اسلامی از منظر

1. Creativity

را میسر سازد (وارکینگ^۴). این تعریف بر جنبه رقابتی و استراتژیک نوآوری تأکید دارد؛

۳- **خلق چیز جدید:** نوآوری خلق چیز جدیدی است که یک هدف معین را دنبال و به اجرا رساند (طالب بیدختی، ۱۳۸۳: ۲). این تعریف بر جنبه عملی و اجرایی نوآوری تأکید دارد.

با استناد به تعاریف فوق، می‌توان گفت که خلاقیت، پیدایی و تولید یک اندیشه و فکر جدید است، در حالی که نوآوری، عملی ساختن آن اندیشه و فکر است. به عبارت دیگر، خلاقیت به قدرت ایجاد اندیشه‌های نو اشاره دارد، در حالی که نوآوری به معنای کاربردی ساختن آن افکار تازه و نو است. نوآوری به معنی به‌کارگیری تفکرات جدید ناشی از خلاقیت است که در یک سازمان می‌تواند به صورت یک کالای جدید، خدمت یا راه حل جدید برای انجام کارها باشد. در واقع، نوآوری فرایندی است که از طریق آن سازمان مشکلات موجود را شناسایی و تعریف کرده، سپس فعالانه دانش جدید را برای حل آنها به کار می‌گیرد.

♥ مفهوم‌شناسی خلاقیت در قرآن

در قرآن کریم، واژه «خلاقیت» به صورت مستقیم به کار نرفته است، اما مفهوم آن به طور ضمنی و در قالب واژه‌هایی مانند «خلق»، «بَدَع» و «صنع» به کار رفته است. واژه «خلق» که ریشه در «الْخَلْق» دارد، در اصل به معنای «ابداع شیء» است. این مفهوم، هم به آفرینش از عدم و هم به ایجاد و دگرگونی از ماده موجود اشاره دارد. در ادامه، به بررسی ابعاد مختلف مفهوم خلاقیت در قرآن می‌پردازیم:

۱- **خلق به معنای ابداع از عدم:** قرآن کریم، خداوند را به عنوان خالق مطلق معرفی می‌کند که آسمان‌ها و زمین را از عدم آفریده است. آیه «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (انعام: ۱) بیانگر این ابداع بی‌سابقه

ایجاد یک تغییر هدفمند در توان اجتماعی یا اقتصادی سازمان تعریف می‌شود. این تعریف بر جنبه کاربردی و نتیجه‌محور خلاقیت تأکید دارد؛

۲- **توانایی ذهنی:** خلاقیت به معنای به‌کارگیری توانایی‌های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا مفهوم جدید است. این تعریف بر جنبه شناختی و ذهنی خلاقیت تمرکز دارد؛

۳- **پرورش انگاره جدید:** خلاقیت به عنوان توانایی پرورش یا به وجود آوردن یک انگاره یا اندیشه جدید تعریف می‌شود. این تعریف بر جنبه نوظهوری و بدیع بودن خلاقیت تأکید دارد؛

۴- **طی کردن راهی تازه:** خلاقیت عبارت است از طی کردن راهی تازه یا پیمودن یک راه طی شده قبلی به طرز نوین. این تعریف بر جنبه روش‌شناختی و رویکرد متفاوت خلاقیت تأکید دارد. (کاظم‌زاده، ۱۳۸۷: ۶۵).

علاوه بر این، هربرت فوکس^۱، فرآیند خلاق را به هر نوع فرآیند تفکری اطلاق می‌کند که مسئله را به طریقی مفید و بدیع حل کند. آلبرشت^۲ نیز خلاقیت را یک فرآیند ذهنی و عقلایی برای ایجاد ایده‌های جدید و بدیع می‌داند (الوانی، ۱۳۷۸: ۲۲۳).

در مقابل، نوآوری نیز به عنوان یک مفهوم مرتبط اما متمایز از خلاقیت، تعاریف خاص خود را دارد. برخی از تعاریف مهم نوآوری عبارتند از:

۱- **به‌کارگیری دانش:** نوآوری فرایندی برای استفاده از دانش یا اطلاعات مربوطه به منظور ایجاد یا معرفی چیزهای تازه و مفید است (هالت^۳). این تعریف بر جنبه کاربردی و عملیاتی نوآوری تأکید دارد؛

۲- **تجدید نظر و استحکام موقعیت:** نوآوری هر چیز تجدید نظر شده‌ای است که طراحی و به حقیقت درآمده باشد و موقعیت سازمان را در مقابل رقبا استحکام بخشد و نیز یک برتری رقابتی بلندمدت

1. Herbert Fucks

2. Albresht

3. Halt

4. Varking



«بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ» (بقره: ۱۱۷) خداوند را به عنوان مبدع و نوآور معرفی می‌کند که آسمان‌ها و زمین را بدون نمونه قبلی آفریده است. این مفهوم، بر جنبه نوظهوری و بدیع بودن خلقت الهی تأکید دارد. با توجه به آیات قرآن، می‌توان گفت که خلاقیت،

موهبتی الهی است که به انسان‌ها عطا شده است. انسان‌ها با استفاده از عقل، تفکر و توانایی‌های خود، می‌توانند در جهان تغییر ایجاد کنند و چیزهای جدیدی بسازند. این توانایی، به انسان‌ها امکان می‌دهد تا در مسیر رشد و تعالی حرکت کنند و به اهداف خود دست یابند.

در عین حال، قرآن کریم بر مسئولیت انسان در استفاده از این موهبت الهی نیز تأکید دارد. انسان‌ها باید از خلاقیت خود در جهت خیر و صلاح جامعه استفاده کنند و از آن در جهت تخریب و فساد دوری کنند.

به طور خلاصه، مفهوم خلاقیت در قرآن، هم به ابداع از عدم (که خاص خداوند است) و هم به ابداع و دگرگونی از ماده موجود (که هم شامل خلقت الهی و هم فعالیت‌های انسان می‌شود) اشاره دارد. این مفهوم، بر جنبه‌های مختلفی از آفرینش، تحول، نوآوری و مسئولیت انسان تأکید دارد.

✍️ خلاقیت در اندیشه امام خامنه‌ای «مدظله‌العالی»

نامگذاری سال ۱۳۸۷ به عنوان «نوآوری و شکوفایی» از سوی مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، نمایانگر درک عمیق ایشان از ضرورت تحول و پویایی در نظام جمهوری اسلامی ایران است. این نامگذاری، نه تنها یک شعار سالانه، بلکه بیانگر یک رویکرد راهبردی در مواجهه با چالش‌های پیش روی کشور و ضرورت حرکت به سوی پیشرفت و تعالی است.

ایشان با این اقدام، توجه نهادهای مختلف، برنامه‌ریزان، مسئولان و عموم مردم را به اهمیت بنیادین خلاقیت و نوآوری در فرآیند بالندگی و توسعه همه‌جانبه کشور جلب نموده‌اند. به تعبیر معظم‌له، انتخاب شعار

است. همچنین، آیه «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ» (بقره: ۱۱۷) نیز بر این مفهوم تأکید دارد و خداوند را به عنوان مبدع و آفریننده بی‌همتا معرفی می‌کند. این نوع از خلق، خاص خداوند است و انسان‌ها در آن نقشی ندارند.

۲- خلق به معنای ایجاد از ماده موجود: علاوه بر ابداع از عدم، واژه «خلق» در قرآن به معنای ایجاد و دگرگونی از ماده موجود نیز به کار رفته است. آیاتی مانند «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» (نساء: ۲)، «خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ» (نحل: ۴)، «خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ» (مؤمنون: ۱۲) و «خَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَارِجٍ» (الرحمن: ۱۵) به این معنا اشاره دارند. در این آیات، خلقت انسان و جن از مواد اولیه موجود، به عنوان نمونه‌هایی از این نوع خلق ذکر شده است.

۳- خلق به معنای تحول و تغییر: واژه «خلق» در قرآن، گاهی به معنای تحول و تغییر نیز به کار رفته است. آیه «وَ إِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي» (مائده: ۱۱۰) که در مورد معجزه حضرت عیسی (ع) است، به این معنا اشاره دارد. در این آیه، حضرت عیسی (ع) با اذن الهی، از گل، چیزی شبیه پرنده می‌سازد که نشان‌دهنده تحول و تغییر در ماده است.

۴- خلق به معنای تدبیر و ساختن: در قرآن، واژه «خلق» در مورد انسان‌ها نیز به کار رفته است، اما نه به معنای ابداع از عدم، بلکه به معنای تدبیر امور و ساختن. انسان‌ها با استفاده از عقل و توانایی‌های خود، می‌توانند در جهان تغییر ایجاد کنند و چیزهای جدیدی بسازند. این نوع از خلق، در واقع نوعی دگرگونی و تحول در ماده موجود است.

۵- خلق به معنای کذب و دروغ: قرآن کریم، گاهی واژه «خلق» را در معنای کذب و دروغ نیز به کار برده است. آیه «وَ تَخْلُقُونَ إِفْكَاً» (عنکبوت: ۱۷) به این معنا اشاره دارد. در این آیه، منظور از «خلق» دروغ، این است که انسان‌ها با استفاده از قدرت بیان و تخیل خود، می‌توانند چیزهایی را به دروغ بسازند و ارائه دهند.

علاوه بر واژه «خلق»، واژه «بَدَع» نیز در قرآن به کار رفته است که به معنای ابداع و نوآوری است. آیه

«نوآوری» برای سال ۱۳۸۷، ناشی از موقعیت زمانی خاص و مهیا بودن شرایط لازم برای تحقق این اصل به طور ویژه بوده است. این تأکید، نشان‌دهنده باور ایشان به ضرورت استفاده از فرصت‌های موجود برای ایجاد تحول و پیشرفت در عرصه‌های مختلف است. مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر، در بیانات متعدد خود، بر موضوع تولید علم و جنبش نرم‌افزاری تأکید ویژه‌ای داشته‌اند. نقطه عطف این تأکیدات را می‌توان در پاسخ ایشان به نامه‌ای که جمعی از فضایی حوزه علمیه قم برای ایشان ارسال کرده بودند، مشاهده نمود.

ایشان به طور مکرر به بحث تمدن‌سازی اسلامی، جنبش نرم‌افزاری و تولید علم پرداخته و این مفاهیم را به عنوان ارکان اصلی پیشرفت و تعالی جامعه اسلامی معرفی کرده‌اند. در دیداری با دانشجویان و استادان دانشگاه‌ها، ایشان با صراحت به عقب‌ماندگی تاریخی ایران در عرصه علم و فناوری اشاره کرده و فرمودند: «ما به دلایل مشخص تاریخی از کاروان علم دنیا عقب افتاده‌ایم.

این را نمی‌توانیم انکار کنیم. واقعیت‌ها پیش روی ماست و این در حالی است که توانایی عالم شدن، تولید علم کردن و مرزهای دانش را از آنچه هست فراتر بردن در ملت ما و در میان ما کاملاً وجود داشته است» (سخنرانی در دیدار با دانشجویان، ۲۴ تیر ۱۳۹۲). این سخنان، ضمن اذعان به چالش‌های موجود، بر ظرفیت‌های بالقوه ملت ایران برای جبران عقب‌ماندگی و پیشگامی در عرصه علم و فناوری تأکید دارد.

همچنین، ایشان در یکی از سخنرانی‌های خود، خلاقیت و نوآوری را به عنوان دو عنصر اساسی در پیشرفت و توسعه کشور معرفی کرده و بر ضرورت توجه ویژه به آن‌ها تأکید نموده‌اند: «خلاقیت و نوآوری، دو عنصر اساسی در پیشرفت و توسعه کشور هستند و باید به آن‌ها توجه ویژه‌ای داشت» (سخنرانی در دیدار با نخبگان و جوانان، ۲۱ تیر ۱۳۹۷). این سخنان، نشان‌دهنده دیدگاه راهبردی ایشان نسبت به خلاقیت و نوآوری به عنوان موتور محرکه پیشرفت و توسعه

کشور است.

با توجه به فرمایشات معظم‌له، می‌توان استنباط نمود که تولید علم و جنبش نرم‌افزاری، در واقع، تجلی عینی نوآوری و شکوفایی در عرصه علم و دانش است. این بدان معناست که ما باید با تکیه بر ظرفیت‌های بومی و با نگاهی نوآورانه، ایده‌ها و اقداماتی را ارائه دهیم که فراتر از دانش و تجربیات موجود باشد و بتواند مرزهای دانش را جابه‌جا کند. بنابراین، در دهه چهارم انقلاب اسلامی، خلاقیت و نوآوری، نه تنها یک ضرورت، بلکه یک الزام اجتناب‌ناپذیر برای تحقق اهداف بلندمدت نظام جمهوری اسلامی ایران است.

♥ ضرورت خلاقیت در سازمان‌های اسلامی

خلاقیت و نوآوری، به عنوان پیش‌نیازهای اساسی برای توسعه و تعالی سازمان‌های اسلامی، نقشی حیاتی و راهبردی ایفا می‌کنند. آگاهی و تسلط بر فنون، تکنیک‌ها و رویکردهای مرتبط با خلاقیت و نوآوری، برای مدیران و فرماندهان این سازمانها، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. موفقیت، پویایی و حتی بقای سازمان، به میزان توانمندی برنامه‌ریزان در ایجاد، پرورش و نهادینه‌سازی فرهنگ خلاقیت و نوآوری، و در پی آن، دستیابی به دستاوردهای نوآورانه و پایداری آن‌ها، بستگی دارد. خلاقیت و نوآوری در سازمان‌های اسلامی، می‌تواند به تحقق اهداف کلان و خرد زیر منجر شود:

۱- **رشد و شکوفایی استعدادها:** توانمندسازی و توسعه ظرفیت‌های فردی کارکنان، به منظور به حداکثر رساندن پتانسیل‌های بالقوه آنان در راستای اهداف سازمانی.

۲- **موفقیت‌های فردی و اجتماعی:** ارتقای سطح عملکرد، شایستگی‌های حرفه‌ای و تعاملات اجتماعی سازنده کارکنان، به منظور افزایش بهره‌وری و اثربخشی فعالیت‌های فردی و گروهی.

۳- **ارتقای کیفیت خدمات:** بهبود مستمر کیفیت خدمات ارائه شده به مخاطبان و ذی‌نفعان سازمان، و افزایش توان رقابتی و پاسخگویی سازمان در محیط پویا و متغیر.



منظور دستیابی به اهداف مشترک و ارتقای سطح همکاری و مشارکت در سازمان.

۹- رشد و بالندگی سازمان: ایجاد محیطی پویا، یادگیرنده و نوآور، که به رشد و توسعه مستمر سازمان، انطباق با تغییرات محیطی و دستیابی به اهداف بلندمدت کمک کند.

۱۰- کاهش بوروکراسی اداری: ساده‌سازی فرآیندها، حذف موانع و مقررات دست‌وپاگیر، و تسریع در انجام امور اداری، به منظور افزایش سرعت و کارایی سازمان (اسکندری پور، ۱۳۸۷: ۲۶).

در نهایت، تحریک، تقویت و مدیریت عوامل تولید از طریق رویکردهای خلاقانه و نوآورانه، می‌تواند به تحقق اهداف عالی سازمان‌های اسلامی، به ویژه در راستای ارتقای معنویت، بصیرت و آمادگی رزمی نیروها، کمک شایانی نماید.

شکل ۱. ثمرات خلاقیت در سازمان‌های اسلامی



۴- بهینه‌سازی هزینه‌ها و کاهش ضایعات: مدیریت بهینه منابع مالی، انسانی و مادی، و کاهش اتلاف‌ها و هزینه‌های غیرضروری، از طریق فرآیندهای نوآورانه و کارآمد.

۵- افزایش انگیزش کاری: ایجاد محیطی انگیزشی، پویا و چالش‌برانگیز، که کارکنان را به تلاش بیشتر، یادگیری مستمر و مشارکت فعال در فرآیندهای سازمانی ترغیب کند.

۶- ارتقای بهداشت روانی و رضایت شغلی: فراهم کردن شرایط کاری سالم، ایمن و حمایت‌کننده، که به ارتقای سلامت روانی، رضایت شغلی و رفاه کارکنان کمک کند.

۷- افزایش بهره‌وری سازمان: بهبود عملکرد کلی سازمان از طریق نوآوری‌های مستمر در فرآیندها، محصولات و خدمات، و افزایش کارایی و اثربخشی فعالیت‌های سازمانی.

۸- موفقیت مجموعه مدیریت و کارکنان: ایجاد هم‌افزایی و تعامل سازنده میان مدیران و کارکنان، به

روش تحقیق

باید میان فرهنگ اسلامی اصیل که نمایانگر ارزش‌ها، باورها، آداب و رسوم برگرفته از وحی الهی و سخنان پیشوایان معصوم است، و فرهنگ حاکم در جوامع مسلمان که غالباً ترکیبی است از اسلام اصیل و برداشت‌های غلط، انحرافات و اضافات تاریخی - حتی خرافات و عادات جاهلی - تمایز قائل شد (مطهری، ۱۳۷۹: ۱۲۸). بنابراین اگر در جوامع اسلامی برداشت‌های غلط و خرافات حاکم شود، نباید آن را به پای اسلام و فرهنگ آن نوشت. قرآن نیز در آیاتی مانند: «**أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْتَغُونَ؟**» (مانده: ۵۰) اعلام می‌دارد که معیار، ملاک و راه، باید همان وحی الهی باشد نه رسوم و عادات مردمان یا تقلید بی‌اساس از گذشتگان (طباطبایی، ج ۴: ۱۸۹).

♥ (ب) انحراف در اجرا و آلودگی به اغراض فردی و گروهی

حتی اگر برداشت ما از اسلام، صحیح و مطابق منابع معتبر باشد، ولی اجرا و به‌کارگیری آن آلوده به اغراض و منافع شخصی یا گروهی شود، و هدف مدیران یا مسئولان دستیابی به ثروت، قدرت، شهرت و حفظ موقعیت باشد، روابط سازمانی به سمت فساد و رکود خلافت و حرکت جمعی منحرف می‌شود و نباید نتایج را به پای اسلام گذاشت (مشبکی و تیمورنژاد کاوه، ۱۳۹۶: ۵۸). در قرآن کریم بارها از کسانی یاد شده که شعار دینداری می‌دادند، اما مقصودشان دنیاپرستی و حفظ مقام و منافع بود: «**مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا...**» (هود: ۱۵)

در تفسیر نور آمده است که چنین نگرش‌هایی، محیط سازمان را از صداقت و خلافت دور کرده و منافع اجتماعی را فدای سود فردی می‌کند (قرائتی، ج ۶: ۷۴).

♥ (ج) انحراف رهبری و تأثیر آن بر رکود خلافت
پس از رحلت پیامبر و شهادت امیرمؤمنان علی (ع) - که هردو الگوی رهبری خلاق، عدالت‌محور و توسعه‌گرا بودند - انحراف در سیره و سنت رهبری و دوری از آموزه‌های بنیادین اسلامی، زمینه را برای

مطالعات نشان می‌دهد روش‌شناسی برآیند کنار هم قرار گرفتن مبانی و منابع است (امیری و صفری، ۱۴۰۱: ۱۶۰). از این رو با توجه به ماهیت پژوهش و مطلوب پژوهشگر از میان روش‌های موجود، مناسب‌ترین؛ روش اسنادی از نوع توصیفی-تحلیلی شناخته شد و پژوهش با آن‌گونه و باهدف بنیادی و ماهیت تحلیل محتوا سامان یافته است. بر این اساس شناسایی و تحلیل موانع خلاقیت در سازمان از منظر قرآن کریم مورد واکاوی و بررسی قرار گرفت. در این پژوهش، که از روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از گزاره‌های کلام وحی، تفاسیر، و بیانات رهبری، و همچنین طی مصاحبه با ۱۰ نفر از خبرگان سازمانی که از طریق نمونه‌گیری هدفمند و به صورت گلوله برفی انتخاب شدند، انجام شده است، مشخص شد که شناسایی و تحلیل و بکارگیری این موانع و اجرای برنامه‌های سازمان بر مبنای توجه ویژه به آن‌ها می‌تواند بر توسعه و پیشرفت خلاقیت در سازمان‌های اسلامی و بالندگی آنها کمک شایانی نماید.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

با توجه به مؤلفه‌های خلاقیت از دیدگاه اسلام، ساختار و فرهنگ سازمانی، محیط و جو سازمانی و همچنین راه‌های پرورش خلاقیت در منابع اسلامی و همچنین الگوی رهبری جامع از منظر اسلام که هرکدام از این محورها - با استناد به آیات و روایات - در فصول پیشین به شکل جداگانه مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند، اکنون این سؤال بنیادین مطرح می‌شود: با وجود اینکه اسلام برخوردار از فرهنگی غنی و پویا و فضایی مملو از خلاقیت و همچنین الگوهای رهبری دلسوزانه است، چرا اکثر کشورهای اسلامی از نظر فناوری، صنعت، خلاقیت و نوآوری جزو کشورهای کمتر توسعه یافته محسوب می‌شوند؟ پاسخ به این سؤال مستلزم تأمل و توجه به چند نکته اساسی است:

♥ (الف) مرز میان فرهنگ ناب اسلامی و فرهنگ غالب جوامع اسلامی



شدن مثل سنگ، بسته شدن مفاصل و توقف حرکت طبیعی است (دهخدا، لغت‌نامه، ۱۳۷۳؛ ص ۵۶۵۹). در اصطلاح فکری، تاجر یعنی بسته ذهنی و تنگ‌نظری داشتن اندیشه ساکن و راکد؛ شخص متحجر کسی است که فاقد بصیرت، نوگرایی و انعطاف فکری است (اسفندیاری، ۱۳۸۲: ۵۳). تاجر، صیروت و تبدیل شدن به حالت سنگ‌وارگی است؛ یعنی ذهن از پذیرش افکار نو خودداری کرده و هر پدیده جدیدی را به شکل محافظه‌کارانه و مقاومت‌آمیز رد می‌کند؛ این وضع، نقطه مقابل خلاقیت و نوآوری است. وقتی ذهن تربیت‌شده به تاجر باشد، نه داده‌های جدید را می‌پذیرد و نه هیچ رشدی متصور است (ولویی، ۱۳۸۱: ۸۷). در فرهنگ قرآنی انسان متحجر کسی است که قلب و عقل او از پذیرش کلام حق و معجزات الهی سرباز می‌زند و مانند سنگ سخت و نفوذناپذیر است: «ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدَّ قَسْوَةً» (بقره: ۷۴). این آیه شریفه یکی از مهم‌ترین شواهد قرآنی درباره رکود و تاجر ذهنی است (طباطبایی، المیزان، ج ۱: ۳۲۶؛ قرائتی، تفسیر نور، ج ۱: ۳۶۶).

طبرسی در **مجمع‌البیان**، در تفسیر این آیه به این نکته اشاره می‌کند که گاه سنگ هم با آب روان تغییر می‌کند و نفوذپذیر می‌شود، اما قلب قسی حتی از سنگ نیز سخت‌تر است و در او هیچ تصور رشد و تحرک نیست (مجمع‌البیان، ج ۱: ۳۶۷). در **تنویر ابن عاشور** نیز آمده است که این رکود فکری یکی از ریشه‌های اصلی تخدیر و توقف تمدنی است (ابن عاشور، ج ۱: ۵۷).

– نمونه‌های تاریخی

۱. جریان خوارج پس از پیامبر – که با تمام عبادت و زهد خود، گرفتار جمود و تنگ‌نظری بودند – با شعارهای مقدس‌مانانه و عقل‌گریزی، بزرگترین آسیب را به جامعه اسلامی زدند (مطهری، ۱۳۷۹: ۱۵۹؛ نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲۷).

۲. در عصر بعد، جریان‌های دیگری پدید آمدند که با جمود فکری و انزواگرایی، نه تنها حجیت عقل

رکود و بی‌حرکی جامعه و سازمان‌های اسلامی فراهم کرد. (مطهری، ج ۲۱: ۱۲۸).

موانع خلاقیت در قرآن

خلاقیت و نوآوری از عوامل بنیادی رشد و پیشرفت هر سازمانی محسوب می‌شوند؛ با این حال، موانعی همچون جمود فکری، تقلید کورکورانه از سنت‌های پیشین، ترس از تغییر، و غفلت از نقش خدادادی عقل و اراده در انسان، و ... می‌توانند راه خلاقیت را سد نمایند. قرآن کریم نیز به این موانع توجه داشته و در موارد متعددی، انسان‌ها را از ایستایی و پیروی بی‌چون و چرا از گذشتگان پرهیز داده است. یکی از آیات کلیدی که به این موضوع اشاره دارد، آیه ۱۰۴ سوره آل‌عمران است: «وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...»

(و باید از میان شما گروهی باشند که آدیگران را [به کار خیر دعوت می‌کنند و به کار شایسته فرمان می‌دهند و از کار ناشایست باز می‌دارند...]) (آل‌عمران: ۱۰۴) در تفسیر این آیه، تأکید بر حرکت، تحول، و ترک رکود و بی‌تفاوتی، به عنوان بسترهای خلاقیت آمده است. افزون بر این، قرآن در آیه ۲۱۷ سوره بقره نیز، تقلید صرف و بدون اندیشه را مورد نکوهش قرار داده است: در آیه ای دیگر خداوند باری تعالی می‌فرماید: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا...» (و چون به آنان گفته شود از آنچه خدا نازل کرده پیروی کنید، می‌گویند: «نه، بلکه از آنچه پدران خود را بر آن یافته‌ایم پیروی می‌کنیم...») (بقره: ۱۷۰ و مائده: ۱۰۴) این آیات نشان می‌دهد یکی از مهم‌ترین موانع خلاقیت، تسلیم بودن بی‌چون و چرا در برابر اندیشه‌ها و عادات گذشتگان و دوری از تفکر و نوآوری است. بدین ترتیب، توجه به توصیه‌های قرآنی، می‌تواند زمینه‌ساز سازمانی خلاق و پویا باشد. با توجه به مطالبی که گفته شد مهمترین موانع خلاقیت در قرآن عبارتند از:

۱. تاجرگرایی و جمود فکری

تاجر (سنگ‌وارگی) در لغت به معنای سخت

نفی مسئولیت فردی باشد، تمام بعثت انبیا و دعوت به اصلاح و عمل صالح، بی‌معنا خواهد بود و چنین جامعه‌ای هرگز به شکوفایی و نوآوری نخواهد رسید.

در تفسیر مجمع‌البیان نیز چنین آمده است که نظام آفرینش و هدایت، پیوسته بر سنن تلاش و اختیار بشر بنا شده است؛ به عبارت دیگر، خداوند اراده فرموده که انسان با اختیار خود عامل سعادت یا شقاوت خویش گردد و هیچ قانون جبری بالادستی از دست او بر نمی‌شکند (طبرسی، ج ۳: ۲۳۵). در بخش‌هایی از تفسیر نور (قرآنی)، این موضوع بسط یافته که تفسیر جبرگرایانه از دین، مسئولیت‌پذیری را سلب می‌کند و انگیزه هر نوع خلاقیت در حل مسائل، اصلاح جامعه و حتی نوآوری فنی را از مردم می‌گیرد (قرآنی، تفسیر نور، ج ۲: ۴۱۸). ابن عاشور نیز در التحریر و التنویر تصریح می‌کند جملاتی مانند «اراده خدا چنین بود» که وسیله توجیه سلطه و ظلم قرار گرفت، عامل رکود و توقف تمدن اسلام در بسیاری از ادوار شد (ابن عاشور، ج ۱۳: ۱۰۸).

جبرگرایی نه فقط یک ساختار کلامی، بلکه ابزاری سیاسی-اجتماعی نیز بوده که طی قرون متمادی توسط خلفا و پادشاهان تحمیل شد. همه امور منفی چون فقر، فساد، بی‌عدالتی، عقب‌ماندگی و حتی سلطه بیگانگان، به جای آنکه نتیجه ناکارآمدی نظام حکومتی یا بی‌لیاقتی مسئولان و بی‌تدبیری دیوان‌سالاری معرفی گردد، به مشیت و خواست الهی نسبت داده می‌شد (علی‌رضا قلی، ۱۳۸۷: ۱۹۶). به این ترتیب مردم هر گونه برنامه‌ریزی، کنشگری و تحول را غیرعملی و بی‌ثمر دانسته، تسلیم وضع موجود می‌شدند. نگاه تقدیرگرایانه، ایده تغییر و اصلاح را خنثی می‌کند و شانس، بخت و طالع را جانشین تلاش انسانی می‌سازد؛ جایی که اصالت به «باید» و «می‌توان» داده نمی‌شود و همه چیز به «نمی‌توان» و «نباید» تقلیل می‌یابد (همان؛ ۷۸).

در منابع قرآنی تأکید بر نقش اراده و اختیار انسان، صریح و تزلزل‌ناپذیر است. در سوره رعد آیه ۱۱ آمده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»؛

را مردود شمردند بلکه هرگونه رجوع به خرد جمعی و تجربه را بدعت تلقی کردند و به تعطیلی اندیشه و توسعه خرافات دامن زدند (ابن عاشور، ج ۲: ۱۱۲).

بنابراین با توجه به مطالبی که گفته شد در سازمان‌های امروزی، هرگونه جمود، تعصب ساختاری، ممنوعیت ایده‌پردازی، و تملک همه حقیقت نزد گروه یا فرد خاص، برابر با مرگ خلاقیت است.

۲. تقدیرگرایی و جبرگرایی

اعتقاد به تقدیرگرایی و جبرگرایی یکی از عمیق‌ترین موانع رشد و خلاقیت در تاریخ فرهنگی و دینی جوامع اسلامی بوده است. در ادوار مختلف، به‌ویژه پس از تثبیت حکومت بنی‌امیه، این نگرش در دل اندیشه و رفتار جمعی جامعه اسلامی رسوخ یافت و به تدریج از یک آموزه کلامی به ابزاری محوری برای سرکوب نیروی خلاقیت و تحول فردی و جمعی تبدیل شد. امویان با هدف تثبیت و توجیه سلطه خود، به‌طور هدفمند جبرگرایی را در جامعه دینی رایج کردند تا با انتساب همه امور به قضا و قدر الهی، مردم را به تسلیم و انفعال در برابر ظلم و فساد وادار سازند. معاویه بن ابی‌سفیان به صراحت اعلام می‌کرد که حکومت و هر آنچه واقع می‌شود خواست و قضای الهی است و مخالفت مردم با سلطنت او، معارضت با اراده خداوند تلقی می‌شود، از این‌رو اطاعت و تسلیم بی‌چون‌وچرا را لازمه دینداری و تقوا به مردم تلقین می‌کرد (عسکری، ۱۳۸۵: ۱۲۵).

در منابع تفسیری معتبر، مانند المیزان علامه طباطبایی و مجمع‌البیان طبرسی، آشکارا جبرگرایی به عنوان آفت فکری ضدخلاقیت و ضدتوسعه معرفی شده است. علامه طباطبایی با تفسیر آیه ۷۹ سوره نساء: «مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَ مَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنَ نَفْسِكَ» تأکید می‌کند که انسان در برابر همه رفتارها و سرنوشت خود مسئول است و هیچ بدی‌ای از جانب خداوند به انسان وارد نمی‌شود، بلکه ریشه نهایی همه ناکامی‌ها در کنش‌ها و افکار خود انسان است (طباطبایی، المیزان، ج ۴: ۴۹۸). او با نقد نظریه جبر می‌نویسد که اگر قضا و قدر الهی به معنای



در نظام فکری اسلام، غفلت از یاد خداوند و دوری از دعا و نیایش، یکی از مهم‌ترین عوامل خودفراموشی و هدررفت استعدادهای انسانی است. بر اساس آموزه‌های قرآنی، کسی که خدا را فراموش می‌کند، سرمایه‌های وجودی خویش را در مسیر رشد و کمال به کار نبرده، دچار بی‌هدفی، سرگردانی، بی‌قانونی و غرق‌شدن در امیال و شهوات رها می‌شود. این وضعیت، مانع مرکزیت هدف الهی در زندگی شده و طبیعتاً خلاقیت را از فرد و سازمان سلب خواهد کرد. (قرآنی، ج ۹: ۵۶۱) صریحاً می‌نویسد: «غفلت، خطرناک‌ترین آفت انسان است که او را از ظرفیت‌های الهی و استعدادهای نهفته خویش محروم می‌سازد.» یکی از مهم‌ترین آیاتی که کلید فهم این مانع در قرآن است، آیه ۱۹ سوره حشر است: وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ «و مانند آنان نباشید که خدا را فراموش کردند، پس خدا نیز (نتیجتاً) خودشان را از یادشان برد...» علامه طباطبایی در تفسیر المیزان ذیل این آیه اشاره می‌کند که: «فراموشی خداوند، باعث قطع ارتباط وجودی انسان با حقیقت متعالی شده، ریشه همه انحرافات اخلاقی، سقوط ارزشی و اتلاف استعدادها می‌گردد.» (طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۳، ۲۷۶). طبرسی هم در مجمع‌البیان می‌نویسد: «فراموشی خداوند، سرانجام انسان را به فراموشی خویشتن و خروج از مسیر سعادت انسانی می‌کشاند» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۹). در آیه ۱۷۹ سوره اعراف آمده است: أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ «آنان (از نظر حقیقت انسانی) چون چهارپایان بلکه گمراه‌ترند، آنان همان غافلانند.» آلوسی در روح المعانی تفسیر این آیه را اینگونه شرح می‌دهد که: «غفلت از یاد خدا، انسان را نه تنها به سطح حیوانی تنزل می‌دهد بلکه به علت تحمیل جهل بر عقل و قلب، پست‌تر از حیوان قرار می‌دهد زیرا حیوان رسالت وجودی خاص خود را به اختیار الهی دنبال می‌کند ولی انسان غافل نه تنها به هدف آفرینش خویش نمی‌رسد، بلکه استعداد بالقوه خود را هدر می‌دهد.» (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۲۰۵). مفسرین تفسیر نور (قرآنی، ۱۳۷۹: ۱۴۰) نیز تأکید می‌کنند

خداوند هیچ قومی را (از فقر یا عقب‌ماندگی یا حتی سقوط تمدنی) تغییر نمی‌دهد مگر خودشان بخواهند و درونشان را تغییر دهند (طباطبایی، المیزان، ج ۱۱: ۳۰۴).

در این نگرش، عزت، ذلت، پیشرفت و شکست، نتیجه مجموعه‌ای از اراده‌های آزادانه، تصمیمات خردمندانه یا بی‌خردانه و فرهنگ کار جمعی یک جامعه شمرده شده است.

بر این اساس، سرنوشت ملت‌ها و توسعه‌یافتگی یا عقب‌ماندگی آن‌ها، بیش و پیش از عوامل بیرونی، حاصل بذریه‌هایی است که انسان‌ها خود در زمین وجود و اجتماع‌شان می‌کارند. نادانی، کم‌کاری، بی‌همتی و فقدان تخیل خلاق، همه دستاوردهای فکری و رفتاری خود انسان‌اند (قرآنی، ۱۳۷۹: ۴۱۸). سوره نجم، آیه ۳۹ نیز این معنا را تأیید می‌کند: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»؛ یعنی جز از تلاش خود چیزی نصیب انسان نمی‌شود (آلوسی، ۱۳۷۱: ۸۳).

تجربه عملی تاریخ معاصر گواه زنده این معناست. امام خمینی (ره) با استناد به همین آموزه قرآنی، جریان فکری جبرگرایی و بی‌عملی در عصر شاهنشاهی را نفی کرد و با اتکا بر اصل تغییر سرنوشت توسط خود ملت، نهضتی را آغاز نمود که نتیجه آن پیروزی بر بزرگترین سلطه خارجی و نظام استبداد داخلی بود (امام خمینی، صحیفه امام، ج ۲۱: ۲۷۹). ایشان نشان دادند که شکستن زنجیر جبر فقط با ایمان به آموزه‌های قرآنی و اصل اختیار و خلاقیت ممکن است؛ اگر ملت خودخواهی و ناتوانی را کنار گذارند و اهل ابتکار و اراده شوند، در سخت‌ترین شرایط نیز می‌توانند خلاق‌ترین و نوآورترین باشند (همان؛ ۱۳۸).

در تفاسیر اهل سنت و شیعه از جمله روح المعانی و تفسیر نور، همه بر نفی جبر تأکید کرده‌اند و حتی باور به شانس و بخت به عنوان عامل سعادت و شقاوت، نشانه بی‌دانشی و سطحی‌نگری فرض شده و گفته‌اند اسلام چنین رفتاری را ریشه‌ای‌ترین مانع رشد و خلاقیت معرفی می‌کند (آلوسی، ۱۳۷۱: ۴۱۹).

۳. غفلت از ذکر و یاد خداوند

مجمع البیان، علامه طباطبایی در میزان و قرائتی در تفسیر نور تصریح می‌کنند: «ذکر الهی، عامل گشایش، آرامش و رشد وجودی و غفلت از آن، مایه حبس استعدادها و بسته‌شدن راه‌های خلاقیت و حتی زندگی عاطفی و اجتماعی انسان است.»

۴. عدم تمرکز ذهنی (پراکندگی خاطر)

عدم تمرکز ذهنی یا همان حواس‌پرتی، یکی دیگر از موانع تحقق خلاقیت در زندگی شخصی و به طریق اولی در سازمان است. قرآن کریم با ظرافت به نقش عوامل فرعی، وسوسه‌های شیطانی، نقص در برنامه‌ریزی و فقدان جدیت در اندیشه پیش از عمل به عنوان ریشه‌های کاهش تمرکز و پرورش اضطراب اشاره می‌کند.

در آیه ۷۰ سوره بقره می‌خوانیم: قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقْرَ تَشَابَهُ عَلَيْنَا... در این آیه، خداوند یکی از علل خرده‌گیری‌ها و بی‌تصمیمی‌های پی‌درپی بنی‌اسرائیل را روحیه‌ی توجه به مسائل حاشیه‌ای و فرعی و نه اصل موضوع بیان می‌کند. علامه طباطبایی در میزان، ج ۱، ص ۲۹۵، طبرسی در مجمع‌البیان، ج ۱، ص ۴۳۸ و قرائتی در تفسیر نور، ج ۱، ص ۱۳۷، هر سه در تفسیر این آیه متفق‌اند که توجه به فرع و درگیر شدن با مسائل انحرافی، تمرکز ذهن را از هدف اصلی برداشته و به جای رشد خلاقیت، تقلید، اضطراب و سرخوردگی را غالب می‌سازد.

همچنین ریشه‌های روانشناختی عدم تمرکز، به لجاجت، بهانه‌جویی، بی‌برنامگی و رفتار واکنشی - به جای واکاو عقلانی - باز می‌گردد (قرائتی، ۱۳۷۹: ۱۳۷).

۵. هم‌رنگ جماعت شدن (تبعیت کور از اکثریت)

یکی دیگر از آفات فرهنگی-سازمانی که در قرآن نیز به شکل صریح نقد شده، بروز روحیه هم‌رنگی و انفعال نسبت به جمعیت یا موج فکری رایج جامعه است. خلاقیت تنها از جوینده حقیقت و فردی که بر ارزش‌های فردی، تقوا و شاخص‌های الهی پای

یاد خداوند، کلید بیداری استعدادها است و هر کس از آن روی‌گردان شود، وجودش محکوم به خاموشی و جمود می‌گردد؛ در سازمان نیز نیروی انسانی که دچار غفلت از اهداف والای الهی شود، نقش‌آفرینی سازنده و خلاقیتش رنگ می‌بازد. آیه مهم دیگر، آیه ۲۴ سوره انفال است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ...» «ای اهل ایمان، دعوت خدا و رسول را اجابت کنید آنگاه که شما را به آنچه مایه حیات واقعی شماسست می‌خوانند و بدانید که خدا میان انسان و قلب او حائل می‌شود...»

طباطبایی در میزان (همان، ج ۹: ۳۴۰) تصریح می‌کند که «حیات» در این آیه به معنای حیات معنوی، فکری، اجتماعی و اخلاقی است و نه صرفاً حیاتی حیوانی. کسی که دعوت پیامبر به ایمان و ذکر را اجابت کند، اندیشه و قلبش روشن و خلاق می‌گردد، وگرنه در ظلمت جمود و غفلت فرو می‌رود. قرائتی بر این باور است که دعا و ذکر دائمی، بهترین تقویت‌کننده انگیزه‌های نوآورانه و امید به تغییر و ابتکار در فرد و جامعه است و هرگونه چشم‌پوشی از این مقام، بن‌بست‌های روانی، اجتماعی و شغلی را در پی دارد.

در حدیثی از امام صادق (ع) آمده: یکی از جلوه‌های «حائل شدن خدا میان انسان و قلبش» در این است که خداوند گاهی ایمان را در دل انسان تثبیت می‌کند و گاهی شک یا غفلت و تردید را فرو می‌ریزد؛ دعا و نیایش، ابزار فعال کردن اراده و ابتکار فردی است (مجلسی، ج ۷: ۱۰۴).

به روشنی شاهد هستیم که دعا نه تنها راه ارتباط با منبع قدرت، بلکه روشن‌کننده چراغ امید در دل و گرداننده کلید خلاقیت و نوآوری است (همان منبع؛ ۵۶۱). در آیه ۱۲۴ سوره طه نیز آمده است:

وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى «و هر کس از یاد من روی گرداند، حتماً زندگی تنگ و سختی نصیبش خواهد شد و روز قیامت او را نابینا محسوس می‌کنیم.»

تمام مفسرین مورد استناد، از جمله طبرسی در



داشت؛ چراکه یأس و دل‌مردگی، استعداد رشد را از بین می‌برد.» استاد قرائتی در تفسیر نور (ج ۸، ص ۴۵۷) نیز می‌نویسد: «یأس، ناامیدی، نگرش منفی و بی‌تفاوتی نسبت به آینده، افراد و سازمان‌ها را شبیه ناشنویان و نابینایان می‌کند که نمی‌توانند حقیقت را درک یا دنبال کنند؛ در چنین فضایی، نوآوری ناممکن است.» قرآن به روشنی هشدار می‌دهد که اگر در فضای سازمانی، روحیه ناامیدی، شکست‌پذیری و منفی‌نگری رایج شود، امکان هدایت و تغییر به حداقل می‌رسد و حتی راهکارهای ارزشمند نیز بی‌اثر خواهد بود. جمود و افسردگی جمعی، سازمان را به مرزهای مرگ ابتکار و رکود می‌کشاند.

مفسر دیگر نیز تأکید دارد که در این آیه، «صَمَّ» و «عُمَى» استعاره از انسان‌هایی است که خود را فاقد امید، توان و استعداد می‌بینند؛ و این نگاه، برآمده از عدم ایمان به امکان تغییر و فقدان اعتماد به رحمت خداوند است. چنین انسانی، محکوم به جمود، انفعال و بی‌عملی است. (آلوسی، ۱۳۷۱: ۱۳۸)

۷. عدم اعتماد به نفس و ترس از شکست

اعتماد به نفس و جرئت روبرویی با چالش‌های جدید از مهم‌ترین پیش‌نیازهای بروز خلاقیت در قرآن و فرهنگ دینی است. ترس از شکست و تعلق خاطر به موضع انفعال، نه تنها سد راه رشد فردی، بلکه مانع پیشرفت سازمانی و اجتماعی نیز هست. **خداوند در سوره بقره، آیه ۱۵۰ در این خصوص می‌فرماید:** «...فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي...» «...از آنان نترسید؛ و از من بترسید...» در تبیین این فراز می‌فرماید: «ترس و وحشت از غیر خدا، موجب می‌شود که انسان عظمت خویش را فراموش کند و جز در برابر علت حقیقی (یعنی خدا) نباید سر فرود آورد. انسان مؤمن تنها از خدا هراس دارد و این اعتماد به نفس و عزت‌نفس، زمینه حرف‌نو و ابتکار عملی را فراهم می‌سازد.» (طباطبایی، ۱۳۷۱: ۲۸۱).

مفسری دیگر ذیل همین آیه توضیح می‌دهد: «قرآن کریم اصل را بر تربیت روحیه اعتماد به نفس و جرئت می‌گذارد و بارها تأکید می‌کند تا زمانی که ترس

می‌فشارد ظهور می‌کند، نه از کسانی که به صرف پیروی از اکثریت و هم‌رنگی با جمع حرکت می‌کنند. در آیه ۱۰۰ سوره مائده آمده است: «قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ...» «هرگز ناپاک و پاک برابر نیستند گرچه فزونی ناپاک تو را به تعجب اندازد.»

علامه در تفسیر المیزان (ج ۶، ص ۴۸۸)، قرائتی در تفسیر نور (ج ۲، ص ۳۸۰) و طبرسی در مجمع‌البیان (ج ۴، ص ۲۷۹) بر این نکته پافشاری دارند که ملاک تشخیص ارزش «اکثریت جمعیت» نیست، بلکه حق و باطل است. دنباله‌روی از اکثریت، به ویژه اگر اکثریت از نظر عقلانی و ایمانی دچار انحراف باشند، مانع تحقق هویت، ابتکار ذهنی و تربیت استعدادهای منحصر به فرد است.

۶. نگرش منفی نسبت به اطرافیان (یأس و ناامیدی)

یأس، نگرش منفی، بدبینی و ناامیدی نسبت به خود و دیگران، یکی از خطرناک‌ترین آفات فردی و سازمانی در فرهنگ اسلامی شمرده شده است که مانعی بنیادی در برابر تحقق نوآوری و شکوفایی استعدادها به شمار می‌آید. این آسیب نه تنها روابط انسانی را دچار سردی و گسست می‌کند، بلکه هر گونه انگیزش و جرقه خلاقیت را به محاق می‌برد. در آیه ۴۰ سوره زخرف آمده است: «أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصَّمَّمَ أَوْ تَهْدِي الْعُمَى وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» «آیا تو کران را می‌توانی بشنوانی یا کوران را هدایت کنی و (نیز) کسی را که در گمراهی آشکار است؟» این آیه به بیان عجز پیامبر حتی در رساندن پیام خود به کسانی می‌پردازد که «خودخواسته» گوش بر حقیقت بسته و دچار نوعی انفعال و غفلت اخلاقی شده‌اند؛ این حالت در نگاه تفسیری، برآمده از «یأس درونی» و «پذیرش ناتوانی» است که در نهایت، قساوت قلب و بسته‌شدن مجاری رشد و تغییر را رقم می‌زند. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان (ج ۱۸، ص ۱۵۳) در تحلیل این آیه می‌فرماید: «قوم منکر، چنان در جهل و بی‌عملی و نومیدی و تاریکی روحی غرق شدند که حتی کلام و دعوت پیامبر نیز اثری نخواهد

از غیر خداوند در وجود انسان باشد، جرقه خلاقیت خاموش می‌ماند. اعتماد به نفس دارای ریشه دینی است و محصول ایمان به عنایت الهی و دوری از سلطه روانی غیر خداست.» (قرائتی، ۱۳۷۹: ۴۵۷).

با توجه به مواردی که در اینجا گفته شد در سازمان‌ها، اگر فرهنگ «جرئت تجربه»، «تحمل شکست» و «آزادگی» رواج داشته باشد، افراد ریسک می‌کنند، نوآوری به خرج می‌دهند و ابتکارات جدید شکل می‌گیرد. در عوض، اگر فضای ترس از واکنش جمع، مدیران یا شکست، غالب گردد، همه انرژی‌ها به حفظ وضع موجود و تقلید صرف معطوف می‌شود؛ قرآن این وضعیت را «عدم هدایت» می‌شمارد. طبرسی ترس را دشمن اراده و مانع عمل می‌داند و آزادی از ترس را کلید میدان دادن به استعدادهای فردی و جمعی معرفی می‌کند. (طبرسی، ۱۳۶۸: ۴۵۳).

۸. اعتقاد به شانس، بخت و سرنوشت تصادفی

یکی از رایج‌ترین آفات فکری انسان و سازمان‌های اسلامی (به ویژه در دوران معاصر) تمایل به «شانس»، «بخت»، «تصادف» و واگذاری مسئولیت شکست یا عقب‌ماندگی به تقدیر یا اقبال است. این تفکر، مستقیم یا غیرمستقیم ریشه در تقلیل مفهوم قضا و قدر اسلامی به نوعی جبرگرایی دارد و با روح مسئولیت‌پذیری و تلاش پیوسته که اصل بنیادین قرآن است، در تعارض کامل می‌باشد.

خداوند در سوره نساء، آیه ۷۹ در این خصوص می‌فرماید: « مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ... » «هر نیکی که به تو رسد از خداست و هر بدی که به تو رسد از خود توست.»

علامه تأکید دارد این آیه معیار نهایی رابطه انسان با رخدادها را باز می‌نماید: «نیکی‌ها از جانب خداوند و محصول بستر معنوی و اجتماعی الهی است، اما پلیدی‌ها نتیجه مستقیم انتخاب نادرست خود فرد است و هیچ اصطلاحی چون «بدبختی»، «بدشانسی» یا «تقدیر منفی» برای توجیه کم‌کاری و رکود مشروع نیست» (طباطبایی، ۱۳۶۸: ۴۹۸).

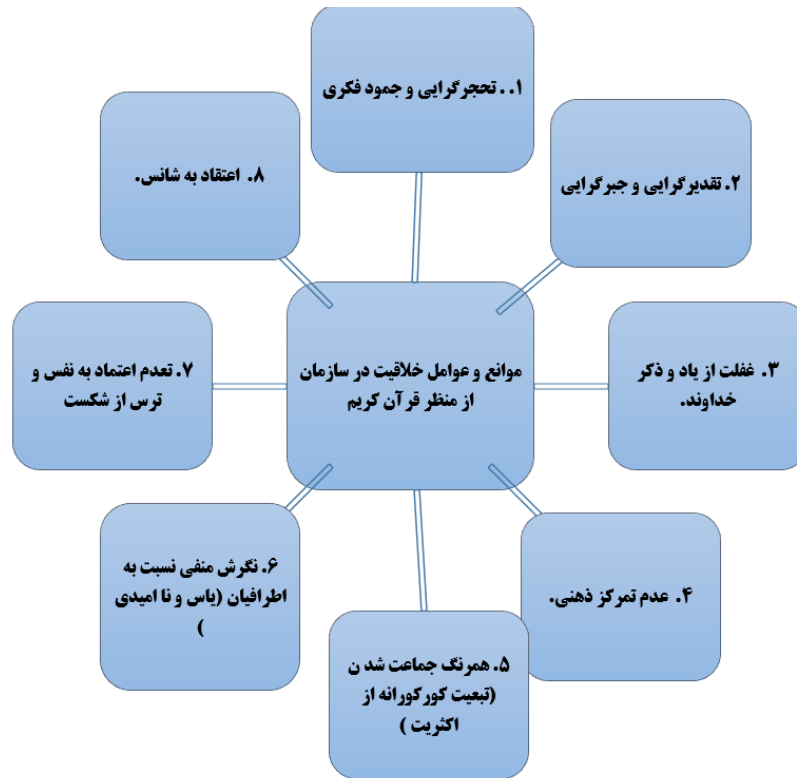
مفسر دیگر نیز تصریح می‌کند: «قرآن با این آیه، تمام مسئولیت نهایی نارسایی و شکست را به عهده خود انسان می‌گذارد؛ هر تلاشی پاداش و پیامد ویژه خود را دارد و اعتقاد به شانس، ریشه در فرار از پاسخگویی و کوشش دارد.» (قرائتی، ۱۳۷۹: ۴۱۸)

آیات کلیدی دیگری نیز این محور را تداعی می‌کنند: **از جمله سوره نجم، آیه ۳۹:** « وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى » معنای دقیق این آیه (که در روح المعانی، آلوسی، ج ۲۷، ص ۸۳ و نیز تفسیر مجمع‌البیان، ج ۲۷، ص ۹۶ بدان تأکید شده)، مبین آن است که هیچ کس در هستی از راه بدون تلاش و کوشش به هدف نخواهد رسید؛ «سعی»، جوهر ساختن آینده و زمینه‌ساز شکوفایی استعداهاست. **سوره رعد، آیه ۱۱:** « إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ » این اصل قرآنی (رجوع: المیزان، ج ۱۱، ص ۳۰۴؛ ابن عاشور، التحرير و التنوير، ج ۱۳، ص ۱۰۸) هر گونه تحول را منوط به اراده و اقدام انسان‌ها می‌داند و فرهنگ مراقبت جمعی، برنامه‌ریزی و خلاقیت را ترویج می‌کند. **سوره مدثر، آیه ۳۸:** « كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ » (هر نفسی گرومند داشته‌های خویش است) **سوره نساء، آیه ۷۹:** همانگونه که فوقاً گذشت مفسری در این خصوص می‌نویسد: «منتسب کردن رخدادها به شانس» را ناشی از جهل و جبرگرایی می‌داند و تبیین قرآن را ترویج مسئولیت‌پذیری معرفی می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۱: ۲۳۵).

مفسر دیگر چنین بیان میدارد: نوآوری و موفقیت، لازمه تلاش، اراده و عمل است؛ بنابراین هیچ جایگاهی برای واگذاری امور به شانس یا جبر اجتماعی نیست و این تصور، منشا رکود و بی‌عملی است. (آلوسی، ۱۳۷۱: ۸۳).

استاد قرائتی نیز می‌گوید: فرهنگ «شور و سعی» و تلاش پیاپی، اساس موفقیت‌های فردی و سازمانی است و ارجاع ناکامی‌ها به شانس، از جهل به عوامل واقعی و ضعف اراده سرچشمه می‌گیرد. (قرائتی، ۱۳۷۹: ۴۱۸).

شکل ۲. موانع خلاقیت در سازمان‌های اسلامی از منظر قرآن کریم



نتیجه گیری:

فرهنگ مشورت، توسعه عقلانیت جمعی، رفع موانع ذهنی و تقویت معنویت اصیل است. این مقاله مدل منظومه‌ای و کاربردی نوینی ارائه می‌دهد که در آن، خلاقیت سازمانی محصول تعامل عوامل فردی (ایمان، شجاعت فکری، خودباوری)، عوامل فرهنگی (فضای گفتمانی، نقدپذیری، مشاوره) و عوامل ساختاری (اصلاح فرایندها و رهبری الهی) است. راهبرد قرآنی برای تحول سازمانی، گذار تدریجی از موانع تحجر، جبرگرایی، غفلت، تقلید کور و روزمرگی به سوی سازمان‌های پویا، اصالت‌محور و نوآور می‌باشد. پیشنهادات کاربردی:

۱. بازآفرینی نظام آموزشی سازمانی بر مبنای آیات تفکر و تعقل: تقویت آموزش مهارت‌های اندیشه‌ورزی، حل مسأله و پرورش قوه انتقادی با اتکا به آیات کلیدی چون «أَفَلَا تَعْقِلُونَ» در همه سطوح سازمانی.
۲. نهادینه‌سازی فرهنگ مشورت (شورا)

استخراج آموزه‌های قرآنی و تحلیل تطبیقی آنها نشان داد که خلاقیت در سازمان اسلامی، فرآیندی چندبعدی است که ریشه در ارزش‌های الهی، معرفت عمیق، فرهنگ مشارکت و شجاعت فکری دارد و لازمه‌ی تحقق آن، مبارزه مستمر با عوامل مواجهه‌شونده با رکود، تحجر، جبرگرایی و غفلت است. قرآن، با نفی هرگونه جمود و تقلید کور (بقره: ۷۴؛ مائده: ۵۰)، بر حاکمیت عقلانیت انتقادی و مشاوره تأکید دارد و با رد نگرش‌های تقدیرگرایانه و نسبت دادن ناکامی‌ها به قضا و قدر (رعد: ۱۱)، سازمان‌ها را به مسئولیت‌پذیری و نوگرایی دعوت می‌کند. بررسی نمونه‌های تاریخی و عبرت‌های فرهنگ اسلامی نشان می‌دهد که هرچا فساد ساختاری، انحراف رهبری و استبداد فکری جایگزین عقلانیت شورایی، شفافیت و فرهنگ شایسته‌سالاری شده است، رکود خلاقیت مضاعف شده است. بر این مبنای راه احیای خلاقیت در سازمان‌ها، بازگشت به

و تضارب آراء: تشکیل حلقه‌های گفتگو، هیأت‌های اندیشه‌ورز و شوراهای تخصصی تحت نظارت مستقیم رهبری سازمانی، با الگوگیری از اصل «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» (شوری: ۳۸).

۳. مبارزه مؤثر با جمود فکری و ساختارهای بسته: برگزاری کارگاه‌های خلاقیت، تسهیل ارائه پیشنهادات نو و نقد آزادانه، حذف ساختارهای متمرکز و تمرکز بر فرایندهای مشارکتی.

۴. پیوند میان معنویت اصیل و انگیزش سازمانی: نهادینه کردن یاد و ذکر الهی، معنابخشی به کار و اهداف فردی با الگوبرداری از آیات مرتبط (حشر: ۱۹)، برای افزایش انگیزش و خودباوری پرسنل.

۵. ارزیابی و اصلاح مستمر ساختارهای ناکارآمد: حذف یا اصلاح سازوکارهایی که پیروزی تصادفی، شانس یا وابستگی به تقدیرگرایی را القا می‌کنند؛ تأکید بر نقش مسئولیت‌پذیری و پیگیری نتایج اقدامات کارمندان.

۶. ایجاد ساختار حمایتی برای تحمل شکست و آزمون‌های نوآورانه: طراحی مکانیزم‌هایی برای حمایت از کارمندان در برابر ترس از شکست و افزایش جرئت بیان دیدگاه‌ها و اجرای تجربیات نو.

۷. استفاده از تجارب موفق بومی و جهانی، تطبیق آن با ارزش‌های قرآنی: مطالعه و بومی‌سازی مدل‌های موفق نوآوری سازمانی با تأکید بر مبانی توحیدی و شایسته‌سالاری دینی.

با اجرای این پیشنهادات، می‌توان انتظار داشت سازمان‌های اسلامی به سطح بالاتری از بلوغ خلاقیت و نوآوری عملی دست یابند و الگویی برای سایر مجموعه‌ها باشند.



منابع:

- قرآن کریم، ترجمه محمودیان.
 -آلوسی، س. م. (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی (چاپ بیروت). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- امام خمینی، س. ر. (۱۳۷۸)، صحیفه امام (جلد ۲۱). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- اسفندیاری، ا. (۱۳۸۲)، تاجرگرایی و پیامدهای آن (ص. ۵۳). تهران: نشر نی.
- اولویی، ح. (۱۳۸۱)، تحجرزدایی و نقش آن در توسعه فرهنگی (ص. ۸۷). تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار الأئمه الأطهار (جلد ۷). بیروت: مؤسسه الوفاء.
- جعفریان، ر. (۱۳۸۲)، تاریخ سیاسی اسلام (ص. ۴۰۲). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- جهانپنده، ا.، صادقی، ا. (۱۳۹۱)، نقش امرای بنی امیه در ترویج نظریه جبر (صص. ۱۲۱-۱۳۸). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حیدری، ع. (۱۴۰۱)، اندیشه خلاقیت سازمانی با تکیه بر مبانی دینی (جلد ۱، ص. ۴۷، ۵۸). تهران: انتشارات پژوهشگران فردا.
- دهخدا، ع. ا. (۱۳۷۳)، لغتنامه دهخدا (جلد ۵، ص. ۵۶۵۹). تهران: دانشگاه تهران.
- دیانی در دشتی، ا. (۱۳۸۸)، قرآن و خلاقیت انسانی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- رضایی، م.، محمدی، ا.، بهرامی، س. (۱۴۰۲)، مدیریت تحول و خلاقیت در سازمان‌های ایرانی با رویکرد اسلامی (ص. ۷۹، ۸۸). تهران: آیین دانش.
- زهره‌وند، ر. (۱۳۸۷)، خلاقیت و نوآوری در مدیریت اسلامی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- عسکری، س. م. (۱۳۸۰)، الأوائل (جلد ۲، ص. ۱۲۵). قم: انوار الهدی.
- عمید، ح. (۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی عمید (ص. ۶۲۳). تهران: امیرکبیر.
- قرائتی، م. (۱۳۸۰)، تفسیر نور (جلدها و صفحات مختلف و). تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کاظم‌زاده، ا. (۱۳۸۷)، خلاقیت سازمانی و راهکارهای بسط آن (ص. ۶۵). تهران: آریانا قلم.
- مروتی، س. ح. (۱۳۸۷)، نوآوری و شکوفایی در اندیشه اسلامی. قم: بوستان کتاب.
- محمص، م. (۱۳۸۸)، خلاقیت در قرآن. تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- مطهری، م. (۱۳۷۸)، جبر و اختیار (ص. ۷۸). تهران: صدرا.
- مطهری، م. (۱۳۷۹)، مجموعه آثار (جلد ۶، ص. ۱۲۰، ۱۵۹؛ جلد ۲۱، ص. ۱۲۸؛ جلد ۲۲، ص. ۷۵؛ جلد ۲۳، ص. ۱۳۰). تهران: صدرا.
- طبرسی، ف. ح. (۱۳۷۲)، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن (جلدها و صفحات مختلف). تهران: ناصر خسرو.
- طباطبایی، م. ح. (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، جلد ها و صفحات مختلف، انتشارات دارالکتاب الاسلامیه.
- مشبکی، ع.، تیمورنژاد کاوه، ع. (۱۳۹۶)، فساد اداری و عوامل ایجادکننده آن در سازمان‌ها (ص. ۵۸). تهران: مهربان.
- رضی، س.، دشتی، م. (مترجم)، نهج‌البلاغه (خطبه ۱۲۷). قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین.
- هاشمی زنوز، ر. (۱۳۸۷)، خلاقیت و نوآوری در مدیریت اسلامی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- هرمانز، ه. به نقل از الوانی، س. م. (۱۳۷۸)، مدیریت عمومی (ص. ۲۲۳). تهران: نی.
- یحیی‌پور، ا.، آقاسپهر، ع. ا.، اخوان صراف، ح. (۱۳۸۸)، پژوهشی در روانشناسی خلاقیت. تهران: سمت.